

۲۷۷۱-۲۶۷۱ شماره ثبت

۲۶۷۱ شماره ثبت نا ایدیا طبع پیشه روی

برای اطلاعات بیشتر به شماره ۰۲۱ ۸۸۷۶۱۰۱۵۶ تماس بگیرید

ISBN: 978-964-321-138-8

لیته تالیف: احمد کسروی

تاریخ مشروطه ایران

تاریخ مشروطه ایران، یکی از مهم‌ترین آثار احمد کسروی است که به بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره مشروطیت می‌پردازد. این کتاب با نثر روان و سلیقه‌آمیز، به تصویر زنده‌ای از رویدادهای تاریخی می‌پردازد و نقش‌های مختلف شخصیت‌های سیاسی را به خوبی شرح می‌دهد. کسروی در این کتاب تلاش کرده است تا با استفاده از اسناد و منابع معتبر، حقایق تاریخی را با سادگی و بی‌طرفی بیان کند. این اثر نه تنها برای محققان و دانشجویان، بلکه برای عموم مردم نیز بسیار جذاب و آموزگارانه است.

احمد کسروی

احمد کسروی (۱۳۰۲-۱۳۸۲) یکی از برجسته‌ترین نویسندگان و روزنامه‌نگاران ایران است. او با نثر روان و سلیقه‌آمیز، به تصویر زنده‌ای از رویدادهای تاریخی می‌پردازد. کسروی در این کتاب تلاش کرده است تا با استفاده از اسناد و منابع معتبر، حقایق تاریخی را با سادگی و بی‌طرفی بیان کند. این اثر نه تنها برای محققان و دانشجویان، بلکه برای عموم مردم نیز بسیار جذاب و آموزگارانه است.

تاریخ مشروطه ایران، یکی از مهم‌ترین آثار احمد کسروی است که به بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره مشروطیت می‌پردازد. این کتاب با نثر روان و سلیقه‌آمیز، به تصویر زنده‌ای از رویدادهای تاریخی می‌پردازد و نقش‌های مختلف شخصیت‌های سیاسی را به خوبی شرح می‌دهد. کسروی در این کتاب تلاش کرده است تا با استفاده از اسناد و منابع معتبر، حقایق تاریخی را با سادگی و بی‌طرفی بیان کند. این اثر نه تنها برای محققان و دانشجویان، بلکه برای عموم مردم نیز بسیار جذاب و آموزگارانه است.



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲

www.nagahpub.com | Email: naghahpub@nagahpub.com | تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱، طبقه اول

دیباچه ناشر

در مطالعه تاریخ یا در بررسی زندگانی شخصیت‌های تاریخی، پژوهنده هر قدر بکوشد «گذشته» را خالی از اغراض ملی، سیاسی و طبقاتی و بدون دخالت باورها، دیدگاه‌ها و عواطف خود تصویر نماید و نیز هر قدر پژوهش خود را بر اسناد و مدارک واقعی برون ذهنی خود متکی سازد باز هم تصویری که از «گذشته» به دست می‌دهد نمی‌تواند از تأثیر مقتضیات و نیازهای زمان وی برکنار بماند. جای شگفتی هم نیست که تصویر رویدادهای «گذشته» در اندیشه مورخانی که دوره تاریخی معینی را بررسی می‌کنند، تا حدی متنوع باشد.

برخی از اندیشه‌پردازان اما، تا آنجا پیش می‌روند که مدعی می‌شوند مورخ در «واقعیات» پیش از آن که «واقعیت» شوند دستکاری می‌کند و آنها را مطابق با دیدگاه‌ها و نیز نیازهای زمان خود «خلق» می‌کند. بر مبنای این ادعا حقیقت عینی در تاریخ دست نیافتنی است و تصویر «گذشته» تنها برآیند ذهن مورخ است.

به خلاف این ادعا خوشبختانه از هر رویداد یا دوره تاریخی گزارش‌های مختلف و منابع گوناگونی در دسترس است و بنابراین تشخیص حق و باطل از مقایسه گزارش‌های مختلف با یکدیگر امکان‌پذیر می‌گردد. مثلاً خواننده برای برداشتی حقیقی‌تر درباره انقلاب مشروطه تا آنجا که مقدور است می‌تواند به منابع مختلف مراجعه کند و در عین حال ارزش یافته‌های خود را در ترازوی تجربه و عقل و منطق بیازماید. هر قدر اثری مستدل‌تر و اتکای آن بر اسناد و داده‌های واقعی (فاکت‌ها) محکم‌تر باشد مطابقت آن با حقیقت عینی بیشتر خواهد بود.

ارزش عظیم دو کتاب تاریخ مشروطه و تاریخ هیجده ساله آذربایجان تألیف احمد کسروی در همین است. انقلاب مشروطه کم یا بیش انقلابی از نوع انقلابات بورژوازی بود که صد سال پیش از آن در غرب رخ داده بود و هدف آن نابودی استبداد شاه و درباریان و استقرار قانون بود. عمده‌ترین نیروهای مشروطه‌خواه را «بازاری‌ها»، پیشه‌وران و تهی‌دستان شهری و روحانیان وابسته به آنان تشکیل می‌دادند. درباریان فاسد و مستبد، تیول‌داران و مالکان بزرگ اراضی و نیز روسیه تزاری دشمنان آن بودند. احمد کسروی روابط درونی و مبارزه طبقات مزبور با یکدیگر را به خوبی درک کرده آنها را نه به عنوان امری جامد و ساکن بلکه به مثابه فرایندی تاریخی در پیدایش، رشد و تکامل‌شان در نظر می‌گیرد. کسروی خصوصیات انقلاب مشروطه و جزر و مدهای آن، روحیات خوب و بد ملت، و جنبه‌های مثبت و منفی رهبران آن را در دوران‌های مختلف با صداقت و درستی تشریح و توصیف نموده است.

می‌توان در پاره‌پی موارد با تحلیل‌های کسروی موافق نبود و به‌ویژه با نظرات و اندیشه‌های وی

در مورد مذهب و تصوف مخالفت کرد اما این واقعیت نباید مانع از آن شود که ارزش کتاب‌های تاریخی وی را نادیده گیریم. نمی‌توان از خدمت وی در زنده نگاه‌داشتن تاریخ مشروطه و حفظ آن گنجینه‌گرانبها و عظیم تجارب نخستین دوره انقلاب ایران چشم پوشید. کسروی این عمل را آگاهانه کرد. او به‌عنوان شاهد زنده قضایا و رویدادهای انقلابی دوره اول آنها را به رشته تحریر کشید. او می‌دید که با گذشت زمان خاطره انقلابات دوره نخست از اذهان محو می‌شود و ممکن است نسل بعد از شهریور بیست به کلی از آن بی‌خبر بماند. او می‌دید که تنها و بزرگترین میراث این دوره پرافتخار که برآیند سال‌ها تلاش و فداکاری‌های ملت ما و در حقیقت خوبیهای شهدای انقلاب و شکست‌های کمرشکن جنبش انقلابی ایران است از میان می‌رود یا مورد دستبرد دشمن قرار می‌گیرد، پس در این راه همت گماشت. در واقع او داستان‌سرای انقلاب مشروطه است. او بدین وسیله سنن انقلابی ملت ما را زنده کرد و سیمای واقعی توده‌ها، نیروهای خلاقه آنان و معجزه‌های بزرگی را که ممکن است و بایستی به‌دست آنان صورت گیرد نشان داد. ما ملت خود را نمی‌شناختیم، از سرگذشت او بی‌اطلاع بودیم، کسروی او را به ما شناساند، چهره او را به ما نشان داد و ما دیدیم که چقدر نجیب و فداکار و مبارز است، تا چه اندازه تشنه استقلال و آزادی و ترقی است و چه نیروهای شگرفی در خود نهفته دارد. در واقع مفهوم واقعی «توده» و تمام چیزهای مربوط به او را کسروی زنده‌تر از هر کس و بهتر از هر کس برای ما مجسم کرد و بدین‌گونه اعتماد ما را به توده و نیروی بی‌کران او که هم می‌تواند نابود کند و هم می‌تواند بیافریند صدچندان کرد.

گذشته از اینها، نقش آگاهی و تربیت توده‌ها را نه به لحاظ نظری، که از راه تجزیه و تحلیل واقعیت‌های زنده تاریخی، تاریخ ملت ما و جنبش انقلابی او به طرز قاطعی روشن ساخت و نشان داد چگونه زمانی که شعور انقلابی در توده‌ها ریشه بدواند تبدیل به یک نیروی مادی می‌شود؛ نشان داد که هر پدیده انقلابی حتی بهترین و جامع‌ترین آن تا زمانی که نتواند پایگاهی در میان توده‌ها به‌دست آورد عملاً منشاء هیچ‌گونه اثری نخواهد بود. سرانجام، کسروی نام شهدای بی‌نام و نشان و قهرمانان گمنامی را که از میان توده‌ها برخاسته و انقلاب ایران را به پیش رانده بودند زنده کرد. او همیشه این افراد ساده و باایمان را به تحصیل‌کردگان فرنگ رفته ولی متزلزل و دودل ترجیح می‌داد. وفاداری آنان را می‌ستود و به آنان نام «پسران توده» می‌داد. متأسفانه باید گفت که دوره آرامش بیست ساله و فقدان کار عملی - سیاسی اثر قطعی را بر کسروی گذاشته هر روز بیشتر وی را از فعالیت مستقیم سیاسی دور کرده به قلمرو کار نظری به‌ویژه جدال نظری با مذهب سوق داد و از قلمرو تحقیق در تاریخ که آنقدر در آن از خود شایستگی نشان داده بود دور کرد، استعدادش را به راه هرزکشاند و نابودش ساخت. او از آخرین بازماندگان جنبشی انقلابی بود که دو دوره تاریخی را پشت سر گذاشته تجارب گرانبهایی اندوخته بود و نخستین مورخی بود که شکل و شیوه تحلیل تاریخی نوین را در ایران جا انداخت. و سخن آخر این‌که سبک و شیوه نگارش کسروی که از سبک نگارش مورخ بزرگ کلاسیک ایران - ابوالفضل بیهقی - تأثیر پذیرفته بود چونان اثر ادبی یگانه‌ای ماندگار گشت.

گنجانیده‌ها

۴۶۵ ۱. کسروی چه کسی است؟
 ۴۶۹ ۲. کسروی چه کسی است؟
 ۵۲۷ ۳. کسروی چه کسی است؟
 ۶۱۸ ۴. کسروی چه کسی است؟
 ۶۹۸ ۵. کسروی چه کسی است؟
 ۵۶۶ ۶. کسروی چه کسی است؟

بخش یکم

بخش یکم

به نام پاک آفریدگار ۹
 گفتار یکم: ایرانیان چگونه بیدار شدند؟ ۱۳
 گفتار دوم: جنبش مشروطه‌خواهی چگونه پیدا شد؟ ۵۷
 گفتار سوم: تبریز چگونه برخاست ۱۳۹
 گفتار چهارم: چه کشاکش‌هایی با محمدعلی میرزا برخاست؟ ۲۱۱
 گفتار پنجم: جستجویی از حال مردم ۲۷۱

بخش دوم

گفتار ششم: اتابک به چه نیرنگ‌هایی کوشید؟ ۲۹۵
 گفتار هفتم: نبرد «مشروطه» و «مشروع» به کجا انجامید؟ ۳۷۳
 گفتار هشتم: چگونه دربار به آرامش گرایید؟ ۴۶۷
 گفتار نهم: چگونه بار دیگر کشاکش آغاز یافت؟ ۵۱۷
 گفتار دهم: جستجو از حال مردم ۵۸۷

بخش سوم

- ۵۹۷ گفتار یازدهم: چگونه مجلس به توپ بسته شد؟
- ۶۹۹ گفتار دوازدهم: جنگ در تبریز چگونه آغاز یافت؟
- ۷۴۵ گفتار سیزدهم: چه جنگ‌هایی با عین‌الدوله و سپهسالار رفت؟
- ۸۱۹ گفتار چهاردهم: چگونه مشروطه‌خواهان به شهرگشایی برخاستند؟
- ۸۶۱ گفتار پانزدهم: چگونه تبریز بار دیگر به تنگنا افتاد؟
- ۹۳۵ نما به



بخش یکم

ما می‌کنیم جناب
 آن را آغاز کردیم
 همیشه سال دیگر
 و دیگر جفا
 آن من دادیم همین
 تاریخ نمودند و
 از دیگران در دست
 ستمها، و بیکرهما
 این ستمهاها ما را
 و دیگر کانون‌های
 که مرا به نوشتن
 به همراه خود، زویه
 و بهتر است آغاز
 کرده‌اید (به ویژه در

میان خدا
 نخست به نام آن
 می‌خواستیم تو
 بر میسبم ولی چه
 از هم نشدنی است
 که چند شماره
 آگامی‌هایی که
 می‌داشتند برای
 بازی بسیار نمود
 هر آن نشایستی
 بخش آزاد بخوان
 تاریخ مشروطه
 تاریخ مشروطه
 می‌کنیم و می‌باید

بخش یکم، و خود کتاب نویسی شده
 اما انگیزه‌هایی که گفتم مرا به نوشتن تاریخ مشروطه را می‌داشت فهرست وار آنها را می‌شمارم:
 ۱. می‌سال گذشت و یکی از آمان که در جشن با در میان داشته بود و یا خود می‌توانست
 آگامی‌هایی کرد آورد، به نوشتن آن برخاست، و من دیدم دستاورد از میان می‌رود و در آنچه
 پس کرد آوردن آنها نخواهد توانست، یک جنبشی که در زمان ما رخ داده، اگر ما داستان آن را
 نویسیم دیگران چگونه خواهند نوشت؟
 ۲. جنبش مشروطه خواهی با پاکدلی‌ها آغازید ولی با ناپاکدلی‌ها به پایان رسید، و
 دست‌هایی، از درون و بیرون، به میان آمد، آن را به هم زد و ناتمام گذاشت، و کار به آشفتگی
 بیرون و ناتوانی دولت، و از هم گسیختن رشته‌ها انجامید، و مردم ندانستند آن چگونه آمد و
 چگونه رفت، و انگیزه ناتمام ماندنش چه بود دانستن این رازها آمان نمی‌بود، و اگر هم کسانی

در مورد مذهب و حقوق مخالفت کرد اما این باید مانع از آن شود که ارزش کتاب‌های
 تاریخی وی یا نظریه‌گیران نمی‌تواند از خردمند وی فریفته نگذارد. تاریخ مشروطه و حفظ آن
 گفتار یازدهم: چگونه مجلس به توپ بسته شد؟ ۵۹۷
 گفتار دوازدهم: جنگ در تبریز چگونه آغاز یافت؟ ۶۹۹
 گفتار سیزدهم: چه جنگ‌هایی با عین‌الدوله و سپهسالار رفت؟ ۷۴۵
 گفتار چهاردهم: چگونه مشروطه‌خواهان به شهرگشایی برخاستند؟ ۸۱۹
 گفتار پانزدهم: چگونه تبریز بار دیگر به تنگنا افتاد؟ ۸۶۱
 نما به ۹۳۵
 پس فراموشی به خفت کشیدند. در تاریخ و سیاست مشروطه ایران و ستم‌های بی‌سابقه
 انقلابی ملت ما و زنده کرد، و سیمای واقعی بوده، نیروهای خلافت آمان و مصلحت‌های بی‌سابقه
 ممکن است و با ستمی بدست آمان صورت گیرد. ستمان داد ما ستمان خود را نمی‌شناختیم، از
 سرگذشت از بی‌افراط بودیم، کسروی از ما به ما شناساند، چهره او را به ما نشان داد و ما به
 چقدر سبیب و فداکار و مبارز است. تا به اندام تشنه استقلال و آزادی و نترس است و به نترس
 لشکری در خود نهفته دارد، در واقع مفهوم واقعی موده و تمام چیزهای مربوط به او را کسروی
 زنده تر از هر کس و بهتر از هر کس برای ما می‌بیند. خود بدین گونه اعتماد ما را به خود و کسروی
 بی‌گراک او که هم می‌تواند نابود کند و هم می‌تواند بیافریند. بعد جستان کرد
 گذشت از اینها، نقش آگاهی و تربیت توده‌ها را به لحاظ نظر بداند که در دوره
 و اینست‌های زنده تاریخ، تاریخ ملت ما و جنبش انقلابی او به هر طرف باقی می‌ماند. اینها
 ۷۵ ساله چگونه زمانی که گفتار انقلابی در نوشته‌ها می‌بینیم، به یاد می‌آوریم که
 می‌گردد نشان داد که هر بنده انقلابی، ستم بهترین و جامع و ریش‌ریش‌شود و حق خود را
 در آمان خود به بدست آورد، عملاً ستم‌ها را می‌تواند برود و برودش را به دست
 ۷۲ گرامی، کسروی نام شهدای بی‌نام و نشان در شهر ما که می‌تواند باقی بماند و بیرون
 و انقلاب ایران را به پیش رفته بودند زنده کرد، او همیشه این افراد ساده و بی‌سواد را به
 تحصیل کردگان فرنگ رفته و بی‌متنزل و دهقان می‌داد و قدری آمان را می‌ستود و به آمان
 نام، پسران توده می‌داد و ستم‌خانه باید گفت که دوره آوازش بیست ساله و انقلاب کار عملی
 ۷۳ پس از قطعی را در کسروی گذاشته هر روز پیش می‌رود و از زمان ستم‌ها
 به نام و کار نظری و عملی، انقلاب نظری ما مذهب ستم بود، از ستم‌ها به دست
 در آن از خود نشانی نگذاشتند، ستم‌ها را در دهه‌ها شده و دفع شده و ستم‌ها را
 ۷۴ او از آخرین بازمانده‌ها، جنبش انقلابی را در دهه‌ها شده و ستم‌ها را در دهه‌ها
 ۷۵ گرامی، انشودا بود و ستم‌ها را در دهه‌ها شده و ستم‌ها را در دهه‌ها
 ۷۶ گرامی، و ستم‌ها را در دهه‌ها شده و ستم‌ها را در دهه‌ها شده و ستم‌ها را در دهه‌ها
 ۷۷ کلاسیک ایران - ابو الفاضل خراسانی - ستم‌ها را در دهه‌ها شده و ستم‌ها را در دهه‌ها شده و ستم‌ها را در دهه‌ها

۵۶۷
۶۸۹
۷۲۵
۸۱۹
۸۶۱
۹۳۵



پ ۱
شادروان سید محمد طباطبائی

ماستند، بی نور و در تاریکی نه گامی...
۶. **به نام پاک آفریدگار**

سپاس خدا را که ما را فیروز گردانید، و اینک به چاپ دوم این تاریخ آغاز می‌کنیم. چاپ نخست به نام «تاریخ هیجده ساله آذربایجان» به پایان رسیده. زیرا هنگامی که آن را آغاز کردیم می‌خواستیم تنها پیش‌آمدهای آذربایجان را، آغاز جنبش مشروطه خواهی تا هیجده سال دیگر بنویسیم، ولی چون به کار پرداختیم دیدیم جدا کردن رخدادهای تهران و آذربایجان و دیگر جاها از هم نشدنی است. از آن سوی چون تاریخ را همراه مهنامه پیمان و کم‌کم بیرون می‌دادیم، همین که چند شماره از آن مهنامه بیرون آمد بسیاری از خوانندگان دلبستگی به این تاریخ نمودند، و آگاهی‌هایی که می‌داشتند برای ما نوشتند، و یادداشت‌هایی که از خودشان یا از دیگران در دست می‌داشتند برای ما فرستادند، و همچنین با فرستادن روزنامه‌ها، و کتاب‌ها، و سندها، و پیکرها پاری بسیار نمودند. می‌توان گفت یک تکانی در میان یک‌دسته پدید آمد. با این همراهی‌ها ما را جز آن نشایستی که به پیش‌آمدهای همه‌جا، از تهران، و آذربایجان، و گیلان، و دیگر کانون‌های جنبش آزادیخواهی پردازیم. از این گذشته یک‌رشته انگیزه‌هایی در میان بود که مرا به نوشتن تاریخ مشروطه ایران وامی‌داشت. این بود «تاریخ هیجده ساله آذربایجان» از نیمه‌راه خود، رویه «تاریخ مشروطه ایران» گرفت، و اکنون چاپ دوم را به همین نام که درست‌تر و بهتر است آغاز می‌کنیم و می‌باید دانست که در این چاپ بسیار داستان‌ها و پیکرها افزوده گردیده (به‌ویژه در بخش یکم)، و خود کتاب نوینی شده.

اما انگیزه‌هایی که گفتم مرا به نوشتن تاریخ مشروطه وامی‌داشت فهرست‌وار آنها را می‌شمارم:
۱. سی سال گذشت و یکی از آنان که در جنبش پا در میان داشته بود و یا خود می‌توانست آگاهی‌هایی گرد آورد، به نوشتن آن برخاست، و من دیدم داستان‌ها از میان می‌رود و در آینده کسی گرد آوردن آنها نخواهد توانست. یک جنبشی که در زمان ما رخ داده، اگر ما داستان آن را بنویسیم دیگران چگونه خواهند نوشت؟
۲. جنبش مشروطه خواهی با پاکدلی‌ها آغازید ولی با ناپاکدلی‌ها به پایان رسید، و دست‌هایی، از درون و بیرون، به میان آمد، آن را به هم زد و نانجام گذاشت، و کار به آشفتگی کشور، و ناتوانی دولت، و از هم گسیختن رشته‌ها انجامید، و مردم ندانستند آن چگونه آمد و چگونه رفت، و انگیزه نانجام ماندنش چه بود. دانستن این رازها آسان نمی‌بود، و اگر هم کسانی